

## **The Role of Ethnicity in National Identity and Solidarity after the victory of the Islamic Revolution: A Baloch People Case Study**

**Farshad Farbod<sup>1</sup>, Mohammad Ali Khosravi<sup>2\*</sup>**

*1. Ph.D. Student of Political Sciences (Issues of Iran), Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran. farshadfarbod1397@gmail.com*

*2. Assistant Professor, Faculty of Political Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author): mohammadalikhosravi1397@gmail.com*

**Received:** 13 May 2018; **Revised:** 25 June 2018; **Accepted:** 10 September 2018

### **Abstract**

The Baloch people are considered as one of Iran's most important minorities and ethnicities, and while they take advantage of a high solidarity, they can sometimes bring challenges for the central government and create a context of independence and separatism in that country. Considering the importance of the Baloch national solidarity with the central government, the main goal of the present research is to investigate the role of the Baloch people in Iranian national identity and solidarity, especially after the victory of the Islamic Revolution. The present study's research method is library research and descriptive research. The findings indicate that in the Sistan and Baluchistan region, there have never been ethno-movements occurring, in its usual sense. On the other hand, national solidarity is created when a person in a society like Iran does not feel like being the other, while the people of Sistan and Baluchistan are very familiar with this feeling because of their many deprivations. Therefore, in order to strengthen national identity and solidarity, the government should be concerned with the expansion of appropriate privileges, facilities and funds to all parts of the country, including Sistan and Baluchistan, otherwise national solidarity will be replaced with dissociation and division.

**Keywords:** Baloch Ethnic Group, Ethnicity, Identity, National Solidarity, Sistan And Baluchistan.

## نقش قومیت‌ها در هویت و همبستگی ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ مطالعه موردی: قوم بلوچ

فرشاد فرید<sup>۱</sup>، محمدعلی خسروی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسایل ایران)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران.  
farshadfarbod1397@gmail.com

۲. استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):  
mohammadalikhosravi1397@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

### چکیده

قوم بلوچ یکی از اقلیت‌ها و قومیت‌های مهم ایران به شمار می‌آیند و در عین حال که توان همبستگی بالایی دارند، گاهی می‌توانند چالش‌هایی را نیز برای دولت مرکزی به همراه داشته و زمینه استقلال و تجزیه‌طلبی آن کشور را ایجاد کنند. با توجه به اهمیت همبستگی ملی بلوچ‌ها با دولت مرکزی، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش قوم بلوچ در هویت و همبستگی ملی ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. روش پژوهش مطالعه کتابخانه‌ای و از نوع تحلیلی است. یافته‌ها حاکی از آن است، در منطقه سیستان و بلوچستان هیچ‌گاه حرکت‌های قوم‌گرایانه، به معنای متعارف آن، صورت نگرفته است. از سوی دیگر، همبستگی ملی زمانی ایجاد می‌شود که فرد در جامعه‌ای مانند ایران احساس دیگر بودن را نداشته باشد، در حالی که مردم سیستان و بلوچستان به دلیل محرومیت‌های فراوانی که دارند، با این احساس بسیار آشنا هستند. بنابراین، حاکمیت، برای تقویت هویت و همبستگی ملی باید به فکر گستراندن امتیازات، امکانات و بودجه مناسب به همه نقاط کشور از جمله سیستان و بلوچستان باشد، وگرنه همبستگی ملی جای خود را به افتراق و چنددستگی می‌دهد.

واژگان کلیدی: سیستان و بلوچستان، قوم بلوچ، قومیت، همبستگی ملی، هویت.

## مقدمه

در سال‌های اخیر هویت به یکی از چارچوب‌های بحث‌برانگیز در مباحثات علمی تبدیل شده است. جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، روان‌شناسان و فیلسوفان همگی به‌گونه‌ای در این بحث سهیم هستند. این مباحث بسیار متنوع‌اند، از بحث‌های آنتونی گیدنز درباره تجدد و خودشناسایی گرفته، تا تأکید پست‌مدرنیستی بر تفاوت، از تلاش‌های گوناگون فمینیستی برای شالوده‌شکنی قراردادهای اجتماعی مبتنی بر جنسیت، تا سردرگمی ناشی از احیاء ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی به‌عنوان نیروهای مهم سیاسی و بحث‌های مربوط به سیاست هویتی، همگی نشان‌دهنده حجم انبوه مطالب و دلمشغولی‌های فکری به این حوزه می‌باشند. در حالی که مباحث مربوط به هویت ملی و هویت قومی در ایران اهمیت زیادی داشته و دارد، زیرا بحث هویت ملی در مباحث مربوط به توسعه بسیار مهم است. نفی یکپارچگی ملی، ایجاد تفرقه میان اقوام، بی‌توجهی به دین و آثار اسلامی، ظلم و ستم، بی‌قیدی و بی‌فرهنگی و عوامل متعدد در حکومت‌های پهلوی و قبل از آن سبب شد انقلابی با قدرتی مردمی و با اقتدار قومیتی و با رهبری بی‌نظیر امام خمینی (ره) و با به‌کارگیری ارزش‌های وحدت‌بخش اسلام، موجودیت انقلاب را تحت لوای پرچم اسلام فراهم کند.

اقوام متعدد ایرانی همواره در جنبش‌های انجام‌گرفته در ایران پس از انقلاب نقش تعیین‌کننده ایفا کرده‌اند؛ در این میان، اگر چه که برخی پژوهشگران به مسئله قومیت‌ها و قوم بلوچ پرداخته‌اند، اما بیشتر این پژوهش‌ها یا جنبه حقوقی داشته، یا از زاویه جغرافیایی سیاسی بررسی شده است؛ ولی این پژوهش سعی می‌کند که از دید سیاسی و اجتماعی به موضوع بپردازد، تا موجب برطرف‌کردن برخی اختلافات قومی و مذهبی و رفع برخوردهای سلیقه‌ای بعضی از مسئولان برای رسیدن به همبستگی ملی می‌شود. موضوعاتی در این زمینه وجود دارد که هر یک به معرفی بخشی از جوانب موضوع پرداخته‌اند و نگاه کلی به آن دارند، اما این تحقیق سعی دارد نگاه‌های جدید به قومیت‌ها به‌ویژه قوم بلوچ داشته باشد، و آثاری که آن‌ها بر هویت و همبستگی ملی می‌گذارند، بررسی کند. در ضمن این نوع رویکرد به مبحث هویت در واقع سابقه چندانی در پژوهش‌ها

نداشته است. همچنین، هدف از انجام دادن این پروژه بیان نقش پررنگ قومیت‌ها و به‌ویژه قوم بلوچ و آثاری که بر منطقه و کشور می‌گذارد.

### مفهوم هویت و تعریف آن

واژه هویت در زبان لاتین ریشه دارد<sup>۱</sup> و دو معنای اصلی در فرهنگ آکسفورد (۲۰۰۵) بر آن مترتب است: اولین معنای هویت تشابه مطلق، و معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. هویت در لغت‌نامه دهخدا «تشخص» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵۹۶) و تشخص به معنای برخورداری از مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیات متمایز از دیگران است که موجب شناسایی و تمایز فرد از فرد، گروه از گروه، یا اهلیتی از اهلیتی دیگر می‌شود، در صورتی که همه اعضای یک گروه یا اهلیت را مانند می‌نماید (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۷۴۹). در فرهنگ عمید به هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، اشاره شده است (عمید، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷۳). بنابراین، هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌ها و الگوهای رفتاری اکتسابی که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌کند. در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص شود، آمده است (معین، ۱۳۷۱، ص ۵۲۲۸).

### علل اهمیت مسائل قومی

قومیت از چند نظر می‌تواند اهمیت داشته باشد. یکی قومیت به مثابه منبع ستیزه، که خصوصیت بارز این گونه ستیزها استمرار و شدت آن‌هاست. مورد دیگر شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی در یک مجموعه ملت واحد است، به چالش کشیده شدن ملت واحد در چندین حالت تصورشدنی است. یک مورد مانند تجربه شوروی است که حاکمیت فردی در قالب چارچوب قومی معنا می‌شود و در نهایت دولت را دچار ضعف در مشروعیت و زوال می‌کند. در حالت دیگر، ترکیب گرایش

---

1. Identitas

قومی با عامل زبان می‌تواند به شعار «یک ملت یک زبان» و به خطر افتادن امنیت ملی منجر شود. در کنار اینها، افزایش آگاهی قومی با توجه به شبکه ارتباطات که می‌تواند به ایجاد همبستگی در ورای مرزهای ملی منجر شود، می‌تواند برای هر دولت - ملتی خطرساز تلقی شود. همچنین، در سال‌های اخیر بحث‌های همگرایی جهانی و نگرش واگرایی از مقبولیت زیادی برخوردار شده است و چه بسا موقعیت‌هایی که تاکنون خود را درون یک ملت تعریف می‌کرده‌اند، ولی اکنون خواهان اخذ یک هویت جدید و مستقل هستند (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

علاوه بر اینها اقوام می‌توانند از حمایت دیگری نیز تهدیدات جدی را برای دولت به همراه داشته باشند. در فضای کنونی روابط بین‌المللی که دیپلماسی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، وجود یک قوم فعال درون یک سرزمین که هدف‌هایی غیر از اهداف ملی کشور متبوعش را پیگیری کند، می‌تواند به عنوان حربه‌ای برای نفوذ و اعمال فشار دیگر دولت‌ها در چانه‌زنی‌های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰).

## هویت ملی

هویت سطوح متعددی دارد، از جمله سطوح فردی و جمعی. به عبارتی، هویت فردی و هویت جمعی که در این میان آنچه مطمح نظر ماست؛ هویت ملی<sup>۱</sup> است که بالاترین سطح هویت جمعی است. هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق<sup>۲</sup> به ملتی خاص دانست. ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمان‌های تاریخی، فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف‌شده سیاسی است.

در تعریفی دیگر، «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه

1. National Identity

2. Belonging

ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است» (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷)؛ در تعبیری کامل‌تر هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی است (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷).

### تفاوت میان قومیت و ملیت

درباره دو واژه ملت و قوم، ابتدا باید بگوییم این دو واژه برای مشخص کردن مردم، جمعیت‌ها، گروه‌ها و اجتماعاتی به کار می‌روند که کاملاً شبیه هم هستند با وجود شباهت میان دو واژه، از قرارداد آن‌ها به موازات هم و از برابردانستن آن‌ها با یکدیگر خودداری می‌شود (برتون، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

اودوان برگه ملت را این گونه تعریف می‌کند: گروه قومی که دارای آگاهی سیاسی است و دولتی که تحت ریاست گروهی از مردم بر دیگران اعمال قدرت می‌کند از نظر وی ناسیونالیسم، ایدئولوژی بیان‌شده از سوی یک گروه قومی است که به دلیل قومی بودن خود مدعی حق تشکیل دولت است (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵).

اما اگر بخواهیم تعریفی دقیق‌تر از ملت ارائه دهیم، باید بگوییم ملت به مردمی گفته می‌شود که دارای یک سرزمین مشخص یا به عبارت بهتر، در یک سرزمین مشخص زندگی کرده و خود را به علت دارا بودن خصوصیات مشترک از قبیل زبان، فرهنگ، تاریخ، و مرام سیاسی متعلق به یکدیگر می‌دانند و برای حفظ این ارزش‌ها یک دولت یا واحد سیاسی را تشکیل می‌دهند (یورد شاهیان، ۱۳۸۰، ص ۱۳). همچنین، ملت واژه‌ای مورد احترام، حتی تقدس یافته است و به مردمی اطلاق می‌شود که توانسته باشند سرنوشت خود را به دست گیرند و به حاکمیت برسند (برتون، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

### تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر ابعاد هویت ملی سیستان و بلوچستان

لاکلاو و موفه ذیل عنوان گفتمان از مجموعه‌ای از کدها، اشیاء، افراد و... سخن به میان آورده‌اند که

پیرامون یک دال کلیدی شکل می‌گرفتند. به طوری که هر گفتمان اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به همه چیز در چارچوبی از نظام معانی، مفهومی خاص می‌بخشد. با این اوصاف، هویت‌ها در اجتماع تحت تأثیرند و به عبارتی واضح توسط گفتمان‌ها ایجاد می‌شوند. همان‌طور که از نظریه‌های اندیشمندان بعد از انقلاب برمی‌آید؛ عناصر هویت ملی عبارت‌اند از هویت دینی، هویت ایرانی و هویت متجدد، و همچنین با توجه به نظرات مطرح‌شده در زمینه ابعاد هویت ملی که تقریباً در میان عناصر آن نیز مشترک است، می‌توان مواردی مانند بعد، دینی، اجتماعی، بعد تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی را نام برد. آنچه به عنوان مقصد ما مطرح است، بیان تأثیر انقلاب اسلامی ایران و تأثیر ابعاد هویت ملی است.

انقلاب اسلامی ایران در بعد اجتماعی هویت ملی آثار بسیاری را بر جای گذاشته است. انقلاب موجب شد در سلسله مراتب اقتدار اجتماعی و منزلت اجتماعی در بلوچستان یک مقدار تغییر به وجود آید. کم‌کم سیستم سرداری جای خودش را به قدرت و اقتدار مولوی‌ها داد. اما تلاش مولوی عبدالعزیز برای اینکه جایگاه اهل سنت در قانون اساسی بهبود یابد (یعنی آنقدر برای همه مقامات کشوری شرط شیعه‌بودن قید نشود) موفق نبود. شاید شکاف‌ها از اینجا این شروع شد. آمارهای ارائه‌شده در رسانه‌ها و پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد از نظر شاخص‌های توسعه انسانی و توسعه اقتصادی و اجتماعی این بخش مهم از ایران یعنی استان سیستان و بلوچستان، وضعیت رضایت‌بخشی ندارد. دروازه ایران به شرق به ویژه شبه‌قاره هند یعنی استان سیستان و بلوچستان با ساحل طولانی بر کرانه دریای عمان، متأسفانه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است. گستردگی زیاد سرزمینی، همسایگی زمینی با دو کشور پاکستان و افغانستان، در مجاورت آب‌های بین‌المللی و اقیانوس هند، قرارگرفتن در نزدیکی مراکز تولید مواد مخدر در آن سوی مرزها و برخی تحرکات نظامی گروه‌های سیاسی مسلح و حضور گسترده مهاجرین افغانی بر اهمیت این استان افزوده است.

گروه‌های قومی در ایران مانند بلوچ و... شکل‌دهنده ایران امروز می‌باشند، حال چه بخواهیم بر آن‌ها نام قوم بگذاریم، یا هر نام دیگر، باید این واقعیت را بپذیریم که جداکردن آن‌ها از بدنه جامعه به عنوان اقلیت، دیگر اکثریتی وجود نخواهد داشت.

ایران نیز از این تمرکزگرایی و دوقطبی شدن بی‌نصیب نبوده است و همین خود از عوامل ایجادکننده عقب‌افتادگی و فقر در استان‌های غیربرخوردار می‌شود. این شرایط کلی جامعه در بین قومیت‌هایی که در استان‌ها و شهرهای خاص قرار دارند، مانند سیستان و بلوچستان و... باعث ایجاد نوعی احساس محرومیت نسبی شده است که وقتی با تفاوت مذهبی و ضعف شرایط اقتصادی همراه می‌شود، تأثیرش تشدید می‌شود. علیرغم محرومیت نسبی سیستان و بلوچستان، این استان همیشه بالاترین میزان همبستگی را در انتخابات داشته است، در حالی که مدیران بلندپایه در این استان اکثراً غیربومی هستند و این وضعیت می‌تواند در بلندمدت آثار منفی داشته باشد.

سیستان و بلوچستان علیرغم موقعیت مهم راهبردی و نیز محرومیت‌های گسترده اقتصادی و همچنین، رودررویی با برخی مشکلات سیاسی و مذهبی چندان مورد توجه نهادهای علمی و فرهنگی اعم از دولتی و غیردولتی نبوده است و چنین به نظر می‌آید که تا مسائل به صورت حاد ظهور و بروز نکند، ارزش و اهمیتی برای بررسی و مطالعه پیدا نمی‌کند. فاصله طولانی حوزه مورد بحث با تهران و همچنین، وجود بزرگترین بیابان‌های کشور به عنوان یک حوزه حایل بر این بی‌توجهی افزوده است. در میان پژوهشگران حوزه مطالعات قومی و توسعه‌ای تعداد پژوهشگران بلوچ‌شناس یا سیستانی‌شناس به چند نفر هم نمی‌رسد. می‌توان مشکلات آموزشی سیستان و بلوچستان را در زمینه محرومیت نسبی زنان در این سطوح در نظر گرفت:

۱. در منطقه سیستان با توجه به اینکه پراکندگی جمعیت نسبت به بلوچستان کمتر است، ولی مسئولان نتوانسته‌اند با توجه به جمعیت منطقه نسبت به تأسیس مدارس دخترانه اقدام کنند و زمینه را برای جذب و شکوفایی این قشر عظیم اجتماعی فراهم کنند.

۲. فقر اقتصادی در مناطق زبان فارسی نسبت به مناطق غیرفارسی زبان از درصد بالایی برخوردار است. درباره علل عدم جذب دختران به آموزش و تحصیل در تحقیقی دیگر با عنوان «علل عدم جذب دختران به دوره‌های مختلف تحصیلی در استان سیستان و بلوچستان» از عواملی مانند مختلط‌بودن مدارس، نبودن مدرسه در روستا و فقدان حضور آموزگاران زن یاد شده است که باعث می‌شود دختران لازم‌التعلیم جذب مدارس نشوند و



از تحصیل بازمانند. فقر اقتصادی موجود در خانواده‌های این استان از درصد بالایی برخوردار بوده است که این مسئله موجب شده است اکثر خانواده‌ها برای فرستادن فرزندان دختر خود به مدارس دچار مشکل شوند. همچنین، ازدواج دختران در سنین پایین مانع ادامه تحصیل دختران است.

در زمینه توسعه سیاسی نیز باید گفت رشد، توسعه و رفاه، مسبب همگرایی و کاهش خشونت‌ها می‌شود. متأسفانه هم قبل و هم بعد از انقلاب، سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌ها وضعیت بدتری داشته و دارد. فعالیت حامیان رادیکالیسم اسلامی با گرایش‌های تند نزدیک به جریان سلفی و وهابیت که عامل تشدید فرقه‌گرایی مذهبی است و همچنین، روحیه استقلال‌طلبی و ناسیونالیسم بومی که تنها منافع را در دایره قوم و قبیله خود جست‌وجو می‌کند، از جمله موانع سد راه توسعه استان است. اختلافات سیاسی ناشی از قومیت‌گرایی، قدرت‌طلبی جناح‌ها، تمایلات واگرایانه و وجود سلاح فراوان در میان قبایل و طوایف که تسلیح را بخشی از هویت و اقتدار خود دانسته‌اند و از سلاح به عنوان ناموس خود یاد می‌کنند، از جمله مشکلاتی است که به ایجاد ناامنی‌های در منطقه دامن زده است. به دلیل رواج زندگی عشیره‌ای و طایفه‌ای بسیاری از افراد به محض ایجاد اختلاف با برداشتن سلاح و مجازات یکدیگر با گلوله سعی در مجازات یکدیگر می‌گیرند که متأسفانه این موضوع علاوه بر ایجاد فضای ناامنی تاکنون به فرار بسیاری از سرمایه‌ها منجر شده است.

هنوز استان سیستان و بلوچستان محروم‌ترین استان کشور محسوب می‌شود. رشد نسبتاً بالای جمعیت، بیکاری گسترده، ورود گسترده مواد مخدر از مرزهای شرقی، تعداد اندک مراکز تولیدی و صنعتی، کم رونقی دامداری و کشاورزی و بخش معدن، عدم دسترسی مناسب به مراکز بهداشتی و درمانی، بی‌سوادگی گسترده و مواردی از این دست نشان می‌دهد مردمان این بخش از ایران با رنج‌ها، دردها و کمبودهای بیشماری دست به گریبانند. وضعیت شاخص‌های توسعه درون استانی نیز نشان می‌دهد این محرومیت‌ها در داخل استان شکل قومی ندارد و شمال و جنوب استان یعنی منطقه سیستان و ناحیه بلوچستان با محرومیت‌های گسترده‌ای روبه‌رو هستند. این وضعیت و نیز توسعه‌نیافتگی دیگر بخش‌های کشور نشان می‌دهد یکی از مبرم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای

کشور توجه به حقوق اساسی ملت به ویژه تلاش برای دستیابی همه ایرانیان به فرصت‌های برابر توسعه‌ای است. عزم ملی برای دستیابی به توسعه پایدار و تمرکز همه دلسوزان، فرهیختگان و روشنفکران بر گفتمان توسعه می‌تواند بر کاهش این شکاف‌های توسعه‌ای تأثیرگذار باشد.

میزان قومیت‌گرایی در بلوچستان تابعی از متغیرهای مستقل مختلفی است که هر یک به تنهایی و نیز به صورت جمعی بر آن تأثیر می‌گذارند. برای مثال، در میان رؤسای خانواده‌های بلوچ ساکن شهرستان زاهدان، آن دسته از افرادی که دارای خاستگاه روستایی بوده و در مناطق روستایی و ایلی زندگی می‌کنند در مقایسه با افراد شهرنشین تمایلات قومی بیشتری دارند. شاید بتوان علت این امر را در عدم تمایزات جدی جامعه شهری و روستایی در بلوچستان و تشابهات روحی، عاطفی و رفتاری میان مردمان شهری و روستایی در این منطقه دانست. زیرا طبق شواهد موجود، شهر زاهدان و دیگر شهرهای تابع این شهرستان از قبیل میرجاوه صبغه شهریت زیادی نداشته و بخش اعظم ساکنین این شهرها را افرادی تشکیل می‌دهند که خاستگاه ایلی و روستایی داشته‌اند، طی سال‌های اخیر به این شهرها مهاجرت کرده‌اند.

### نقش قومیت‌ها از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

نفی یکپارچگی ملی، ایجاد تفرقه میان اقوام، بی‌توجهی به دین و آثار اسلامی، ظلم و ستم، بی‌قیدی و بی‌فرهنگی و عوامل متعدد در حکومت‌های پهلوی و قبل از آن سبب شد تا انقلابی با قدرتی مردمی و با اقتدار قومیتی و با رهبری بی‌نظیر امام خمینی (ره) و با به‌کارگیری ارزش‌های وحدت‌بخش اسلام، موجودیت انقلاب را تحت لوای پرچم اسلام فراهم کنند (جلیلی، ۱۳۹۶).

در رمز پیروزی انقلاب بیان امام خمینی است که می‌فرماید:

«آنکه ما را تا اینجا رساند و پیروز کرد، این بود که با هم قشرها اختلاف نداشتند، همه با هم فریاد می‌کردند که جمهوری اسلامی می‌خواهیم، فرقی مابین شهر و ده نبود، مرکز و سرحدات نبود، همه دست به هم دادند و فریاد کردند که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم و این دو جهت که یکی وحدت کلمه همه بود، اکثراً با هم بودند و یکی هم مقصد، مقصد اسلامی بود، شما را پیروز کرد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۴).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «عده‌ای سعی می‌کنند اهمیت عامل پیوند مستحکم دل‌های ملت ایران، یعنی ایمان اسلامی را کم کنند؛ نه، کشور و ملت یکپارچه است؛ البته یکپارچگی‌اش به خاطر تاریخ و جغرافیا و سنت‌ها و فرهنگ است، اما عمدتاً به خاطر دین و مسأله رهبری است که اجزای این ملت را به هم وصل کرده و همه احساس یکپارچگی می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

ایشان در بیانات دیگری اشاره کردند اساسی‌ترین سیاست دشمنان این است که اقوام ایرانی را از یکدیگر جدا کند و با بهانه‌های مختلف، پیکره عظیم ملت ایران را تکه‌تکه کند. با هر قومی از اقوام متنوع ایرانی، فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و لر، جداگانه یک تلقین شیطانی را در میان می‌گذاشتند تا دل‌ها را از هم چرکین کنند. به تهرانی و اصفهانی چیزی می‌گفتند، به بلوچ بلوچستانی حرفی می‌زدند و در کردستان سخن دیگری می‌گفتند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

جمهوری اسلامی ایران از طریق مشارکت‌جویی و به رسمیت شناختن هویت‌های قومی به انسجام و هویت و همبستگی ملی، قوام و دوام بخشیده است. کردها، آذری‌ها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و ترکمن‌ها، به لحاظ باورهای عمیق تاریخی، فرهنگی و اعتقادی، پیوستگی و انسجام انکارناپذیری با فرهنگ و هویت ملی داشته و دارند. این تنوع در اندیشه امام (ره) هم به رسمیت شناخته شده است و از آن به‌عنوان یک فرصت یاد می‌شود.

در پرتو انقلاب اسلامی و چارچوب اندیشه امام خمینی (ره) و در تداوم آن، تفکر رهبر معظم انقلاب توزیع عادلانه منزلت، قدرت و ثروت به رسمیت شناخته شده است و اقوام ایرانی با حضور در حوزه‌ها و کانون‌های مختلف سیاست، قدرت، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ به‌عنوان پاره‌ای از پیکره ملت بزرگ ایفای نقش می‌کنند (جلیلی، ۱۳۹۶).

### تقویت هویت و همبستگی ملی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و نقش قوم بلوچ در آن

ایران یک جامعه چندقومی است و با اینکه اقوام ایرانی سرگذشت‌ها و ویژگی‌های گوناگونی دارند، اما هویت ایرانی آن‌ها همواره بر پایه مشترکات استوار بوده است. در نگاه اول لازمه چنین

اشتراکی این است که عصبیت‌های قومی و تمایلات مشابه آن مهار شود و تعلق به اجتماع قومی در سایه تعلق و وجود عناصر و مؤلفه‌های مشترک ملی، تاریخی و هویتی شکل گیرد (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۵۰). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اقوام گوناگونی در ایران زندگی می‌کنند و مطالعه وضعیت روابط بین قومی ایرانی نشان می‌دهد اگرچه فراوانی روابط همزیستانه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بین قومی در نزد همه اقوام بیش از روابط تعارضی است، ولی بر خلاف تصور رایج، فرستندگی رابطه در نزد اقوام اقلیت مثل بلوچ‌ها بیش از گیرندگی رابطه است. یعنی در حالی که اقوام میل به رابطه با اقوام دیگر دارند، از جانب دیگر اقوام به ویژه فارس‌ها پذیرندگی رابطه پایین است و این نامتقارنی، موقعیت متفاوتی را برای اقوام در شبکه قومی کشور رقم زده است (یوسفی، ۱۳۸۰، ص ۳۸). بی‌تردید بخش مهمی از کم و کیف روابط بین قومی ناشی از پیش داورهای مثبت یا منفی اقوام نسبت به یکدیگر و قوم‌مداری اعتقاد به فضیلت و برتری خود بر سایر اقوام آن‌هاست. به علاوه کاهش رابطه بین قومی، خود باعث تشدید پیش‌داوری و قوم‌مداری است. قوم‌مداری به طور کلی، در همه اقوام کشور بالاست، قوم‌مداری بر روی انواع روابط همزیستانه قومی شامل (روابط مبادله‌ای، گفتمانی و اجتماعی) اثر منفی دارد و در مقابل تعارضات بین قومی را تشدید می‌کند. در عین حال، پذیرفتنی است که تنها قوم‌مداری روابط بین قومی را تغییر نمی‌دهد، متغیرهایی مانند مجاورت مکانی و تجانس فرهنگی به ویژه تجانس زبانی و مذهبی نیز بر روابط بین قومی اثر می‌گذارند (یوسفی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱).

در نزد اقوام مختلف ایران به عنوان کشور و تمدنی بزرگ و تاریخی دارای موقعیت ژئوپولیتیک بسیار خوب، از لحاظ قابلیت‌های مادی ثروتمند و غنی، دارای اکولوژی متنوع و جذاب، برخوردار از فرهنگ غنی و اسطوره‌های بزرگ و محترم در میان همه اقوام و... از آن چنان قابلیت و هویت برخوردار است که در صورت برخوردار از اقتدار و نظم اجتماعی - سیاسی کافی، همه راه‌ها برای تمایلات تجزیه‌طلبانه قومی را مسدود می‌کند. تاریخ مشترک همه اقوام تحت نام ملیت ایرانی، زبان پارسی که در عمق همه اقوام ریشه دوانیده، اسلام به عنوان دین مشترک، اسطوره‌های مشترک و قهرمانان و شخصیت‌های ملی مشترک و بالاخره هویت ایرانی از جمله عناصر پیونددهنده‌ای هستند که همگرایی را ممکن و روند واگرایی را در مواجهه با این عناصر

پیونده‌دهنده و از نظر ارزش بسیار ارزشمند با مشکل روبه‌رو می‌کند. بنابراین، مهم‌ترین فرصت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تأکید بر پنج عنصر وحدت بخش یادشده با هدف مقابله جدی با روند قوم‌گرایی می‌تواند مد نظر قرار گیرد. این حقیقت در طول تاریخ به‌وضوح خود را نشان داده است، کما اینکه هیچ‌گاه، حداقل در یک‌صد سال اخیر، شاهد حمایت اجتماعی از تمایلات تجزیه‌طلبانه قومی نبوده‌ایم. این بزرگ‌ترین قابلیت و فرصت برای نظامی است که با استفاده و به فعل درآوردن قابلیت‌های خود بر شدت تمایلات ملی و ایرانی اسلامی بیفزاید. مردم این قابلیت را دارند که ایرانی باشند و ایرانی بمانند. دولتمردان باید با ایجاد بستر مناسب و درک ضرورت‌ها و مقتضیات، این فرصت‌های عالی را برای رشد و تعالی ایران اسلامی مورد بهره‌برداری قرار دهند (صالح‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۶۲۷).

با توجه پیروزی انقلاب اسلامی، افزایش سطح سواد، بالارفتن آگاهی‌های عمومی، گسترش ارتباطات و رسانه‌های گروهی، فرهنگ کشور در چند دهه اخیر به‌شدت متحول شده، در منطقه بلوچستان نیز فرهنگ بلوچ‌ها به‌شدت متأثر از عوامل یادشده دگرگون شده است در نتیجه، آگاهی نسبت به مشترکات و تمایزات قومی و فرهنگی بلوچ‌ها با سایر اجزای ملت ایران نیز افزایش یافته است که پیامد آن در قالب افزایش همگرایی آن‌ها با ملت ایران بوده است، به طوری که در شرایط کنونی میان قشر جوان تحصیل‌کرده دانشگاهی و مولوی‌های بلوچستان نوعی رقابت و تضاد فکری وجود دارد. تحصیل‌کردگان سنت‌های گذشته را که بیشتر مولوی‌ها طرفدار آن هستند، نمی‌پذیرند و خواهان تحول در آموزه‌های سنتی منطقه هستند و جهت‌گیری این تحول در راستای اشتراکات با سایر اجزای ملت ایران می‌دانند مردم قوم بلوچ از نظر آداب، رسوم و هنجارها به‌شدت متأثر از دین اسلام بوده‌اند. توجه به دستورها و فرایض دینی در میان قوم بلوچ اهمیت زیادی دارند و همین امر موجب افزایش منزلت اجتماعی روحانیون مذهبی بلوچ یا مولوی‌ها در نزد مردم شده است. بررسی‌ها حاکی از احساس اشتراک دینی بلوچ‌ها با بقیه مردم ایران است. از آنجا که همه اقوام ایرانی مسلمان هستند، توجه به عنصر دین اسلام در سطح ملی و منطقه‌ای می‌تواند افزایش میزان همگرایی در میان همه اقوام ایرانی را به دنبال داشته باشد (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

## نتیجه‌گیری

از هر سو که بنگریم، هویت‌ها مقوله‌هایی خودساخته و درونی برای خویشتن فرد نیستند، بلکه ماهیتی فرهنگی دارند، زیرا در خلال فرایندهای فرهنگ‌پذیری ساخته شده‌اند. هویت واژه‌های «مبهم و مجادله برانگیز»<sup>۱</sup> است که بنا به چارچوب‌های روش‌شناختی متفاوت در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی، هر یک از صاحب‌نظران از منظری متفاوت به آن نگریند. در مقاله حاضر به نقش قومیت‌ها در هویت و همبستگی ملی با مطالعه موردی سیستان و بلوچستان پرداخته شد. بر این اساس، در بلوچستان هیچ‌گاه حرکت‌های قوم‌گرایانه، به معنای متعارف آن، صورت نگرفته است. به شرحی که گذشت، تعدد نژادی و قومی در جامعه ایرانی نه تنها زمینه‌های تاریخی و کنونی را برای بحران هویتی به وجود آورد، بلکه همه عوامل اجتماعی، اقتصادی و اداری، سیاسی و جغرافیایی نیز به این بحران جهت و شکل داده و آن را از قوه به فعل درآورده است. به همین سبب در این بخش، سعی می‌شود که نشان داده شود که واقعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و قومی ایران پیچیده‌تر از آن است که بتوان از آن تصویری واحد و همگون به ذهن داشت و از این طریق به اجماع ملی یا قومی رسید و هویت ملی را یک واقعیت کلی و با پوشش همگانی داشت. براساس آنچه بیان شد، همبستگی ملی زمانی ایجاد می‌شود که فرد در جامعه‌ای مانند ایران احساس دیگربودن را نداشته باشد. در حالی که مردم سیستان و بلوچستان به دلایل محرومیت‌های فراوانی که دارند، با این احساس آشنا و نزدیکند. بنابراین، حاکمیت، برای تقویت هویت و همبستگی ملی باید به فکر گستراندن امتیازات و امکانات و بودجه مناسب به همه نقاط کشور از جمله سیستان و بلوچستان باشد، وگرنه همبستگی ملی جای خود را به افتراق و چنددستگی می‌دهد.

## منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۶). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. تهران: نشر نی.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). ظرفیت طبیعی امنیت. مطالعات راهبردی، (۵ و ۶)، ۶۰-۲۶.
۳. برتون، رولان (۱۳۸۴). قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۵). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی). تهران: نگاه معاصر.
۵. جلیلی، حبیب‌اله (۱۳۹۶). انقلاب اسلامی ماحصل انسجام اقوام و رهبری واحد، خبرگزاری موج.
۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. مطالعات ملی، ۲(۵)، ۴۳-۱.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا، و کاویانی، مراد (۱۳۸۵). نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ). پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۰(۱)، ۴۶-۱۵.
۸. صالح‌آبادی، ریحانه (۱۳۹۴). فرصت‌های ناشی از حضور قومیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران. هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران هم‌دلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سندج، انجمن ژئوپلیتیک ایران، برگرفته از [https://www.civilica.com/Paper-GEOPOLITICS08-GEOPOLITICS08\\_109.html](https://www.civilica.com/Paper-GEOPOLITICS08-GEOPOLITICS08_109.html)
۹. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
۱۰. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین. جلد چهارم، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
۱۱. معین، محمد، و شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. جلد پانزدهم، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۳. هاشمی، سید حمید (۱۳۸۶). مطالبات قوم عرب و راهکارهای دولت. *رهاورد سیاسی*، (۱۶)، ۱۵۷-۱۷۴.
۱۴. یورد شاهیان، اسماعیل (۱۳۸۰). *تبارشناسی قومی و حیات ملی*. تهران: فروزان.
۱۵. یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. *مطالعات ملی*، ۲(۸)، ۱۱-۴۲.
16. Hornby, A. S. (2005). *Oxford advanced learner's dictionary of current English*. Ed. 7<sup>th</sup>, Oxford: Oxford University Press.
17. Watson, C. A. (2008). *U.S. national security: A reference handbook*. ABC- CLIO.